

Designing a Conceptual Model of the Third Generation University in System of Distance Education (The Case of: Payame Noor University)

Mohammad Moshki Hassan Abad

Mahmood Ekrami

Ahmad Karimi Dashtaki

Hossein Hafezi

Introduction

Universities have experienced different generations in during their lives. The first generation of universities had a purely educational function. The second generation of universities also had a research function. In the third generation, the application of research was considered. The third generation of universities is called the: Entrepreneur University. Third generation universities must be able to be independent and Prepare your graduates to enter in the job market. The purpose of this study is to design a conceptual model for third generation universities in the distance education system.

Method

The method used in this research is Grounded theory. By using a purposeful sampling method, 46 faculty members of Payame Noor University were select. Data were collected using semi-structured interviews .Then the data were coded by the three-step method in Grounded theory.

Results

Execution of the open coding step identified 114 concepts. In axial coding stage, concepts were summarized into 23 sub-categories and 8 main categories. Then a paradigm model was drawn with causal conditions (organizational space of university), contextual conditions (organizational

Ph.D. Student in distance education planning, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Associate Professor, Education, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Assistant Professor, Education, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Assistant Professor, Education, Payame Noor University, Tehran, Iran. *Corresponding Author*: . h.hafezi@pnu.ac.ir

infrastructure), intervening conditions (autonomy, globalization and effective interactions), central phenomenon (third generation university), strategies (administrative and executive review) and outcome (development-oriented society). Finally, conceptual model of the third generation university was created.

Discussion

Based on the conceptual model obtained, the university should be reviewed. This review should be done in the field of university hardware and software. Therefore, changes in strategies, perspectives, facilities and equipment are necessary for the third generation. In this case, the university can be a factor in the comprehensive development of society. To achieve this, the university must support from the new ideas and creativity of its staff. Also, creative beliefs in the workplace should replace routine beliefs. In the field of hardware, the necessary equipment to develop the talents of employees should be provided to them. In addition, the university must have a good relationship with other universities and other sections of society. To become a third-generation university, administrative approaches must become more flexible and educational policies must change. The new needs for educational and research should be known and based on those needs, educational and research goals should be set. By making these changes, the university will be on the path of economic and social development which creates innovative products and creative services. Finally, the establishment of this type of university leads to sustainable development in society.

Keywords: Conceptual model; Third Generation University; system of high and distance education; Grounded Theory.

Author Contributions: Mohammad Moshki Hassan Abad has planned general framework, initiated the project, executed the plan, analyzed the results, and reported the findings. Dr. Mahmood Ekrami and Dr. Ahmad Karimi Dashtaki provided the theoretical framework of the study and directed the overall research process. Dr. Hossein Hafezi collaborated in general framework planning and analyzing of conceptions, conclusions, manuscript content editing, submission and correction and the corresponding author. Authors discussed the results, reviewed and approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments: The authors declare their thanks to all those who contributed in completion of this research, especially their dear colleagues and professors.

Conflicts of Interest: The authors declare that there is no conflict of interests in this article. This article extracted from the PhD thesis.

Funding: The authors received no financial support for the research.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۴۰۰، دوره ششم، سال ۲۸
شماره ۱، صص: ۱۶۵-۱۸۴

مقاله پژوهشی

طراحی الگوی مفهومی دانشگاه نسل سوم در نظام آموزش عالی از دور (مورد مطالعه: دانشگاه پیام نور)

محمد مشکی حسن آباد

محمود اکرامی

احمد کریمی دشتکی

حسین حافظی *

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی مفهومی دانشگاه نسل سوم در نظام آموزش عالی از دور با مورد مطالعه قرار دادن دانشگاه پیام نور به عنوان بستر مطالعاتی انجام گردید. روش پژوهش کیفی و برمبنای نظریه داده بنیاد انتخاب گردید. جامعه مشارکت کنندگان در پژوهش کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه پیام نور بود. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید به طوری از بین اعضای هیأت علمی دانشگاه تعداد ۴۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته مورد آزمون قرار گرفتند. داده‌های حاصل با رویکرد سه مرحله‌ای در نظریه داده بنیاد (کدگذاری باز؛ کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) کدگذاری و تحلیل گردید. اجرای فرآیند کدگذاری باز منجر به شناسایی ۱۱۴ مفهوم گردید. در مرحله کدگذاری محوری مفاهیم در قالب ۲۳ مقوله فرعی و ۸ مقوله اصلی جای گرفت. سپس مدل پارادایمی با ارکان شرایط علی (فضای سازمانی حاکم بر دانشگاه)، شرایط زمینه‌ای (زیرساخت‌های سازمانی)، شرایط مداخله‌گر (خودمختاری، جهانی شدن و تعاملات اثربخش)، پدیده محوری (دانشگاه نسل سوم)، راهبردها (بازنگری کنش‌های اداری و اجرایی) و پیامدها (جامعه توسعه محور) ترسیم گردید و در نهایت با اجرای فرآیند کدگذاری گزینشی، الگوی

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی آموزش از دور، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

دانشیار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

استادیار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

h.hafezi@pnu.ac.ir

استادیار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مفهومی پژوهش روابط بین عوامل را تبیین نمود. الگوی به دست آمده مشخص می‌کند که برای نسل سومی شدن باید در حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تغییراتی در دانشگاه انجام پذیرد که در صورت ایجاد این تغییرات دانشگاه می‌تواند علاوه بر استقلال خود در توسعه‌ی جامعه نیز نقش مهمی را ایفا کند.

واژه‌های کلیدی: الگوی مفهومی، دانشگاه نسل سوم، نظام آموزش عالی از دور، نظریه داده بنیاد.

مقدمه

امروزه دانشگاه به عنوان عاملی مهم در اقتصاد دانش محور و چرخه نوآوری ایفای نقش می‌نماید، عاملی که موتور محرک دانش بشری به شمار آمده و رشد و تعالی جوامع را به دنبال دارد (Etzkowitz, 2003). در عصر جدید دانشگاه‌ها باید بتوانند از کارکرد سنتی خود که شامل آموزش و پژوهش است فراتر رفته، و دانش آموختگانی تربیت کنند که دارای مهارت و آماده ورود به محیط کسب و کار باشند. نسل اول دانشگاه‌ها صرفاً کارکرد آموزشی داشت در نسل دوم کارکرد پژوهش نیز بر وظایف آموزشی افزوده شد. در نسل سوم دانشگاه‌ها (دانشگاه‌های کارآفرین و نوآور) انتظار می‌رود دانشگاه بتواند به توسعه اجتماعی و اقتصادی در ارتباط با صنعت و جامعه کمک نماید. به تعبیری بر اساس پویایی درونی دانشگاه، دو انقلاب دانشگاهی در جهان به وقوع پیوسته است: انقلاب نخست در اواخر قرن نوزدهم در کشور آلمان اتفاق افتاد که طی آن دانشگاه‌ها علاوه بر فعالیت‌های آموزشی، به فعالیت‌های تحقیقاتی نیز مشغول شدند (Etzkowitz, 2000; Audretsch, Bonte & Keilbach, 2008). انقلاب دوم، در نیمه دوم قرن بیستم اتفاق افتاد که طی آن دانشگاه علاوه بر مأموریت آموزشی و تحقیقاتی، عهده‌دار مأموریت سومی شد که توسعه اجتماعی و اقتصادی نامیده می‌شود به دانشگاه‌هایی که دارای مأموریت سوم هستند، دانشگاه‌های کارآفرین گفته می‌شود. این نسل از دانشگاه‌ها با تعبیر روشنگرانه Etzkowitz & Leydesdorf مبنی بر چرخه سه گانه، بطور بهتری تبیین شدند (Etzkowitz & Leydesdorff, 2000; Salamzadeh & Daraei, 2011). مفهوم دانشگاه کارآفرین برای اولین بار توسط Etzkowitz (1983) مطرح گردید. وی تعریفی از دانشگاه کارآفرین ارائه کرد که عبارت است از: دانشگاه‌هایی که منابع درآمدی جدیدی مانند ثبت اختراع، قراردادهای تحقیقاتی با محیط بیرون از دانشگاه و مشارکت با شرکت‌های خصوصی را

در نظر دارند (Zabihi & Moghadasi, 2006; Subotzky, 1999). در بررسی مفهوم دانشگاه کارآفرین، دانشگاه باید مأموریت خود را براساس سه مؤلفه آموزش، تحقیقات و جامعه تعریف کند. با توجه به این مأموریت دانشگاه از طریق آموزش و پژوهش باید بتواند به توسعه همه جانبه جامعه کمک نماید و همکاری بین دانشگاه و جامعه نهایتاً باید به استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه برای رشد جامعه منجر گردد (Audretsch, 2012; Bolling & Eriksson, 2016). دانشگاه‌ها باید پیشرو در ایجاد تحولات باشند، علاوه بر این بایستی از طریق تربیت منابع انسانی متخصص و کارآمد به ایجاد تحولات در سازمان‌ها و به طور کلی در اجتماع کمک کنند (Rahimiyan, Abbas pour, Taheri & Sobhani joo, 2018). در این رابطه دانشگاه باید قابلیت مقابله با چالش‌های بوجود آمده در محیط را داشته باشد و قدرت تطابق و سازگاری بالایی را از خود بروز دهد که این تطابق در حوزه‌های مختلفی معنا پیدا می‌کند. نقش دانشگاه‌های کارآفرین در محیط غیرقابل پیش‌بینی و نامطمئن امروزی پررنگ‌تر جلوه‌گر می‌شود و وجود آن ضرورتی برای چالش‌های پیش روی جامعه (منطقه‌ای یا جهانی) می‌باشد (Hannon, 2013). دانشگاه‌های کارآفرین با رصد کردن شرایط جدید می‌توانند در اکوسیستم عملگر خود تغییراتی را متناسب با فضای موجود ایجاد کنند. در واقع ساختار، فرهنگ و بسیاری از مناسبات دانشگاه می‌تواند با شرایط جامعه منطبق گردد (Kawamorita, 2020). دانشگاه کارآفرین در مواجهه با چالش‌های محیطی در جامعه ساختار و استراتژی‌های جدیدی را جایگزین می‌کند به نحوی که با نیازهای بازار کار امروز سنخیت داشته باشد یا به استقلال بیشتر دانشگاه کمک نماید (Lombardi, 2019; Salun & Zmicerevska, 2019). مجموع شرایط داخلی و محیطی دانشگاه مانند ویژگی‌های منطقه‌ای، سیاست‌های کلان آموزشی و مدیریتی، قابلیت‌های دانشجویان و تجهیزات دانشگاه می‌تواند نقش تسهیل‌کننده و یا بازدارنده در ایجاد دانشگاه کارآفرین داشته باشد (Meigounpoory, 2019; Kakouris, Liargovas & Sousa, 2018).

با این تفاسیر اندیشمندان زیادی به مفهوم سازی این پدیده و ارائه چارچوب نظری و مدل در این حوزه پرداخته‌اند گروهی برجسته‌های کارآفرینانه دانشگاه تمرکز کرده‌اند (Etzkowitz, 2004) و (Jacob, Lundqvist & Hellsmark, 2003). گروهی نیز بر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گذار به دانشگاه‌های کارآفرین اشاره داشته‌اند (Guerrero & Urbano, 2010). Kirby and Urbano در مروری که بر ادبیات دانشگاه کارآفرین داشتند، به مدل‌های تئوریک و

مطالعات تجربی صورت گرفته در ارتباط با دانشگاه‌های کارآفرین اشاره داشته و عوامل محیطی (رسمی و غیررسمی) که خلق و توسعه این نوع از دانشگاه‌ها را متأثر می‌سازند، را مدنظر قرار داده‌اند. از نظر ایشان می‌توان پنج مدل تئوریک را در ارتباط با دانشگاه کارآفرین شناسایی نمود. این مدل‌ها عبارتند از: مدل Clark (1998)، مدل Sporn (2001)، مدل Etzkowitz (2004)، مدل Kirby (2006) و مدل Guerrero, Kirby and Urbano (2006). ایشان می‌گویند تا عوامل محیطی را در قالب عوامل رسمی و غیررسمی در هر یک از این مدل‌ها استخراج کرده و مدلی کامل‌تر ارائه دهند (Guerrero, Kirby & Urbano, 2006). در آثار اندیشمندی چون Oshea and Allen (2005), Blenker et al. (2004), Gibb, Haskins and Robertson (2009), Philpott et al. (2011) و Salamzadeh (2011) نیز می‌توان به بررسی چارچوب نظری این مفهوم دست یافت. همچنین Gurool and Astan (2006), Closs et al. (2012), Taghipoor Zahir and Faridi (2017) در مطالعه‌ی جداگانه‌ای عوامل و مقوله‌های تأثیرگذار بر دانشگاه نسل سوم را بازنمایی کردند. بنابراین به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها در طول حیات خود در حال ارتقا و تغییر ماهیت هستند و حتی امروزه بحث نسل‌های چهارم و پنجم دانشگاهی مطرح می‌شود. هرچند بسیاری از دانشگاه‌ها ویژگی نسل‌های جدید دانشگاهی از قبیل ارزش آفرینی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی را در خود ندارند و مطرح شدن این مفاهیم و ورود به این نسل از دانشگاه‌ها مستلزم تغییرات بنیادین در رویکرد و ساختار دانشگاه‌ها و بازنگری آنهاست با این حال گرایش برخی از دانشگاه‌ها در دنیا در راستای حرکت به سمت نسل‌های جدید دانشگاهی و پذیرفتن شاکله آنهاست. لکن مسئله‌ای که ما در ایران با آن مواجه هستیم این است که در نظام آموزش عالی ایران بسیاری از دانشگاه‌ها در محدوده نسل‌های اول و دوم فعالیت دارند و پرداختن به نسل‌های بعدی مستلزم توجهات زیادی در حوزه‌های مختلف می‌باشد. اما با توجه به رشد کمی فزاینده دانشگاه‌ها و رشته‌های دانشگاهی در ایران، احساس نیاز به رشد کیفی بیش از هر زمان دیگری وجود دارد. با وجود اقدامات بی شماری که در خصوص ورود به نسل سوم در دانشگاه‌ها مانند ایجاد مرکز رشد و ارتباط با صنعت و ... در کشور صورت گرفته است، به نظر می‌رسد که دانشگاه‌ها هنوز به عنوان مؤسسات آموزشی وابسته به دولت تلقی می‌شوند و بسیاری از فارغ التحصیلان آنها نتوانسته‌اند خود را برای ورود به بازار کار آماده کنند و دانشجویانی مهارت دیده و کارآشنا تربیت کنند. این امر در نظام آموزش عالی از دور با توجه

به شیوه خاص آموزش و ارتباطات آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و باید دید عدم ارتباط چهره به چهره و مناسبات خاص سیستم آموزش از دور تا چه حد می‌تواند بر داشتن سهم اینگونه از دانشگاه‌ها از بازار تأثیر بگذارد و آیا می‌تواند خود کارآفرین باشد و دانش آموختگانی تربیت کند که کارآفرینانه عمل کنند. با این اوصاف دانشگاه پیام نور به عنوان مدعی ارائه آموزش از دور در کشور به عنوان جامعه مورد مطالعه انتخاب گردید. علاوه بر این خصیصه، دانشگاه پیام نور یک دانشگاه جامع است و با گستردگی جغرافیایی ۵۰۰ مرکز و واحد دانشگاهی در سطح کشور و ارائه خدمات آموزشی به حدود ۵۰۰ هزار دانشجو در صورتی که بتواند فارغ التحصیلان کارآشنا تربیت کند نقش پررنگی در ارتقای کیفیت آموزشی فارغ التحصیلان دانشگاهی خواهد داشت و از این حیث بر شاخص‌های توسعه منابع انسانی تأثیر خواهد گذاشت. لذا محققان در این پژوهش سعی کرده‌اند به شناخت مفاهیم و مؤلفه‌های اثر گذار بر ایجاد دانشگاه‌های نسل سوم در آموزش عالی از دور بپردازند. با این هدف تلاش شده است به سوال ذیل پاسخ داده شود:

چارچوب مفهومی دانشگاه نسل سوم در نظام آموزش عالی از دور مبتنی بر دانشگاه پیام نور چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث روش‌شناسی با در نظر گرفتن هدف پژوهش، یک پژوهش کاربردی به شمار می‌آید. همچنین از جنبه روش گرد آوری داده‌ها جزو پژوهش‌های کیفی در نظر گرفته می‌شود. در رویکرد کیفی درک مشارکت‌کنندگان از معناها و شناخت آنها از مسئله به عنوان منشأ اولیه اطلاعات به حساب می‌آید (Haj khozeymeh, Abili & Pour, 2020). در پژوهش حاضر با بکارگیری روش «داده بنیاد» و با روند سیستماتیک در این روش، دانشگاه نسل سوم را در نظام آموزش عالی ایران مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و سپس به مدل سازی مفهومی در باب این موضوع می‌پردازد. جامعه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با توجه به هدف و موضوع، کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه پیام نور کشور می‌باشند. روش نمونه‌گیری از بین اعضای جامعه به صورت هدفمند نظری بوده است چرا که برای مدل سازی افرادی باید انتخاب می‌شدند که نسبت به شرایط کلی دانشگاه و تمام مناسبات آن آگاهی کامل داشته باشند. بدین منظور از بین اعضای هیات علمی تعداد ۴۶ نفر

به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. جدول شماره ۱ توصیفی از وضعیت اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان را ارائه می‌دهد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که با استفاده از پیشینه پژوهشی موجود تنظیم گردید. کدگذاری داده‌های جمع‌آوری شده پس از انجام مصاحبه‌ها با استفاده از روش سیستماتیک در نظریه داده بنیاد^۱ و طی سه مرحله (کدگذاری باز^۲؛ کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴) انجام گردید (Strauss & Corbin, 2013). به منظور اعتباریابی یافته‌های به دست آمده از فنون و روش‌هایی بدین شرح استفاده گردید ۱. کنترل و اعتباریابی توسط اعضا: در این روش از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را مورد ارزیابی و اعتباریابی قرار دهند و درباره درستی آنها نظر دهند. ۲. مقایسه‌های تحلیلی: بدین منظور به داده‌های خام رجوع شد تا چارچوب‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. ۳. استفاده از فن ممیزی: در این خصوص سه متخصص در حوزه نظریه داده بنیاد بر مراحل مختلف کدگذاری و مفهوم سازی و استخراج مقوله‌ها نظارت نمودند (Silverman, 2005).

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

Table 1. Demographic information of study participants

تعداد Amount	رشته تحصیلی Field of study	تعداد Amount	رتبه علمی Grade of science	تعداد Amount	سابقه کاری Work experience
۱۷	علوم پایه	۱۲	استاد	۴	زیر ۱۰ سال
۹	فنی مهندسی	۱۵	دانشیار	۲۳	۱۰ تا ۲۰ سال
۲۰	علوم اجتماعی و رفتاری	۱۹	استادیار	۱۹	۲۰ سال و بالاتر
۴۶	مجموع	۴۶	مجموع	۴۶	مجموع

یافته‌های پژوهش

در پاسخ به سوال پژوهش در رابطه با تعیین چارچوب مفهومی دانشگاه نسل سوم با استفاده از ابزار مصاحبه، داده‌های کیفی به دست آمده از جامعه مشارکت کنندگان در پژوهش، مورد تجزیه و تحلیل گردید. در ابتدا طبق روش سیستماتیک در نظریه داده بنیاد (زمینه‌ای)

- 1- Grounded theory
- 2- Open coding
- 3- Axial coding
- 4- Selective coding

کدهای باز اولیه شناسایی گردیدند در این مرحله (کدگذاری باز)، داده‌های خام به دست آمده از مرحله انجام مصاحبه با استفاده از تحلیل سطر به سطر بررسی گردید و در حدود ۵۰۰ داده اولیه به دست آمد. این داده‌ها پس از بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها و بازنگری چندباره توسط محقق خلاصه سازی گردید و مفاهیم پرتکرار به دست آمده از داده‌های خام حاصل شد. مفاهیم به دست آمده در واقع عناصر سازنده در نظریه داده بنیاد می‌باشند. به جهت کثرت مفاهیم اولیه در بسیاری از موارد مفاهیم مرتبط به صورت عبارت وار تنظیم گردیده است که در مجموع حاصل این فرآیند استحصال ۱۱۴ مفهوم اولیه می‌باشد. سپس در فرآیند مقوله بندی، گروه بندی مفاهیم در سطحی بالاتر و انتزاعی تر برای استحصال مقوله‌ها شروع شد و پس از مقایسه و تطبیق مفاهیم اولیه بر اساس همانندی و نزدیکی، مقوله‌ها ساخته شدند دسته بندی مقوله‌ها نیز در دو سطح انجام می‌گیرد. کدهای باز اولیه در سطح اول به ۲۳ کد ثانویه (مقوله‌ی فرعی) مبدل گردید و درخاتمه متناسب با کدهای باز ثانویه ۸ مقوله اصلی بوجود آمد. مجموع مفاهیم و مقوله‌های حاصل از فرآیند کدگذاری مطابق با روش نظریه داده بنیاد در جدول شماره ۲ به تفصیل قابل مشاهده است.

جدول ۲. یافته‌های به دست آمده از مرحله کدگذاری باز برای ایجاد مقوله‌های اصلی

Table 2. Findings from open coding stage to create main categories

نمونه متن مصاحبه Sample interview	مفاهیم Concepts	مقوله‌های فرعی Sub categories	مقوله‌های اصلی Main categories
ما در استانمون با کمبود فضا و امکانات مواجهیم آزمایشگاه هامون تجهیزات ناقصی داره...	تجهیز و ایجاد مراکز پژوهشی؛ افزایش تجهیزات و امکانات آموزشی؛ افزایش تجهیزات و امکانات اداری؛ تجهیز وسایل ارتباطی و اطلاعاتی؛ ایجاد دفتر ارتباط با صنعت؛ ایجاد و تجهیز مراکز رشد و فناوری.	بسترسازی سخت	توسعه ساخت
خیلی از روندها نیاز به بازنگری و اصلاح داره با روش‌های سنتی همیشه دانشگاه رو اداره کرد...	تغییر و اصلاح قوانین و سیاست‌ها؛ گریز از ساختار تک دیسپلینی؛ ایجاد راهبردهای آینده‌نگر و چشم‌انداز مشترک؛ برنامه‌ریزی مداوم برای تطابق با تحولات؛ ارزش‌گذاری فعالیت و تلاش مستمر؛ تغییر و اصلاح ایدئولوژی حاکم؛ برخورد حرفه‌ای با مسائل پیش رو؛ ترویج فرهنگ کار و تلاش.	بسترسازی نرم	
به نظر می‌رسه افرادی منافع خاصی را اینجا دارن دنبال می‌کنن و منافع دانشگاه برایشون مهم نیس...	عدم تأثیرپذیری از گروه‌های فشار؛ تأثیر نپذیرفتن از دولت در انتخاب اهداف راهبردی؛ پرهیز از سیاست زدگی و عدم وابستگی مسئولین ارشد دانشگاه.	سیاست‌گذاری مستقل	توسعه ساخت
دانشگاه میتونه از راه‌های دیگه‌ای غیر از دریافت شهریه و کمک دولتی درآمد زایی داشته باشه...	ایجاد تنوع در منابع مالی؛ ایجاد درآمد حاصل از فروش محصولات و ارائه خدمات؛ تقویت منابع درآمدی حاصل از مراکز رشد و پژوهشی دانشگاه؛ افزایش منابع درآمدی از محل مراکز خیریه و عام‌المنفعه.	کاهش وابستگی مالی	

اختیار تعیین منابع رو باید به اساتید بدن، ما هیچ اختیاری در این خصوص نداریم و این خوب نیست...	استقلال در انتخاب محتوی با توجه به نیازهای روز؛ استقلال در اولویت‌بندی ارائه محتوی.	تولید محتوای مستقل	جهانی شدن
مراکز دانشگاهی ما در خارج از کشور فضای خوبی به واسطه اینکه سیاست‌ها مون رو اعمال کنیم...	تقویت بیش از رشته‌ای و بین رشته‌ای؛ اتخاذ سیاست‌های کلان و جهان نگر؛ تمرکز بر نیازهای آموزشی روز دنیا؛ دنبال کردن استراتژی‌های تقویت برند دانشگاه.	نگاه جهانی	
بعضی از همکارانمون کارهای پژوهشی در سطح جهانی انجام می‌دن اما خب تعدادشون کمه...	تمرکز بر استفاده از زبان بین‌المللی؛ انجام پژوهش‌های بین‌المللی؛ عمل در محیط رقابتی جهانی؛ شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی؛ تقویت همکاری‌های جهانی با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دیگر کشورها.	اقدام جهانی	
با خیلی از دانشجویان ارتباط رودررو نداریم و شاید اصلاً نبینیمشون...	تسهیل ارتباط پرسنل با مدیران و بالعکس؛ حذف موانع ارتباطی داخلی؛ حذف واسطه‌های ارتباطی غیر اثربخش و غیر مؤثر؛ تسهیل ارتباط مؤثر با دانشجویان؛ دریافت بازخورد مناسب از پرسنل و دانشجویان.	توسعه‌ی ارتباطات داخل سازمانی	تعامل‌های ارتباطی
قبلاً که دانشجو بیشتر بود ارتباط خوبی با مراکز فنی و حرفه‌ای داشتیم و دانشجویان رو بازدید می‌بردیم...	ارتباط مؤثر با بخش صنعت؛ ارتباط مناسب با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛ ارتباط مؤثر با کارآفرینان؛ ارتباط اثربخش با سایر دانشگاه‌ها؛ ارتباط با مراکز رشد و فناوری؛ ارتباط با وزارت خانه‌ها و بخشهای دولتی تسهیلگر کارآفرینی؛ تداوم ارتباط با دانش‌آموختگان.	توسعه‌ی ارتباطات برون سازمانی	
اینجا یک مکان علمیه که باید همیشه فکرهای نو درش به وجود بیاد و تقویت بشه...	فرا دید نسبت به نیازهای جامعه و بازار؛ داشتن قدرت پیش‌نگری مسائل؛ پرهیز از جزمی اندیشی؛ تیز بینی در شناخت مسائل درون سازمانی و ارائه راه حل؛ تبدیل رویه‌های استاندارد کاری به روال‌های جدید و کارا.	خلاقیت و ایده پردازی	
تعصب خاصی روی دانشگاه دارم و اعتقاد دارم تونسته در ارتقای سطح علمی کشور کمک کنه...	احساس تعلق به خانواده دانشگاه؛ پذیرش راهبردهای دانشگاه و باور به آن؛ عدم انفعال در قبال تغییرات دانشگاه؛ مسوولیت پذیری بالا در انجام فعالیت‌های سازمانی.	تعهد سازمانی	فضای سازمانی حکیم
اگه کسی بهتر عمل کنه باید تشویق هم بشه نه این که هیچ تفاوتی با بقیه نداشته باشه...	مشارکت منصفانه در قراردادهای پژوهشی؛ اعطای مشوق‌های متنوع سازمانی به پرسنل نو اندیش در دانشگاه؛ بهبود مسیر توسعه‌ی شغلی برای پرسنل نو اندیش؛ توجه و اعتماد مدیران به پرسنل کوشا و ایده پرداز.	انگیزش نو اندیشان	
ظرفیت‌های دانشگاه بالاس ما میتونیم از ظرفیت‌های استانهای دیگه هم در ارتقاء شاخص‌های دانشگاه استفاده کنیم...	خود باوری پرسنل در حل مسائل مختلف؛ باور به همکاری جمعی در برخورد با مسائل سازمانی؛ باور به توان دانشگاه در ایجاد افراد و بنگاه‌های سودده.	نگرش نواندیشانه	
متأسفانه بعضی از مسئولین فقط مشکلات امروز رو مبین و دید بلند مدت ندارن...	داشتن نگاه اقتصادی در برخورد با مسائل دانشگاه؛ حساس بودن به تغییرات موجود در محیط کسب و کار؛ عدم دید از بالا و داشتن دید همکارانه نسبت به پرسنل؛ ایجاد دیدگاه مشتری‌نگر نسبت به دانشجویان؛ تقویت دیدگاه عمل‌گرا بودن مدیران؛ دوراندیشی و آینده‌نگری در نگاه به مسایل؛ عدم تمرکز زیاد بر فرآیند و تقویت تمرکز بر نتیجه.	تحول نگرش مدیران	بازآزمایی کتشی‌های اداری و اجرایی
بعضی از تصمیمات بدون بررسی کامل و در نظر گرفتن مصالح دانشگاه انجام شده و مشکلات زیادی رو به وجود آورده...	نظارت تسهیل‌کننده و عادلانه؛ دریافت بازخورد مناسب و اصلاح عیوب؛ بازنگری و اصلاح رویه‌ها و روش‌ها؛ نظارت مؤثر بر روند استخدام پرسنل.	بهبود نظارت بر عملکرد	

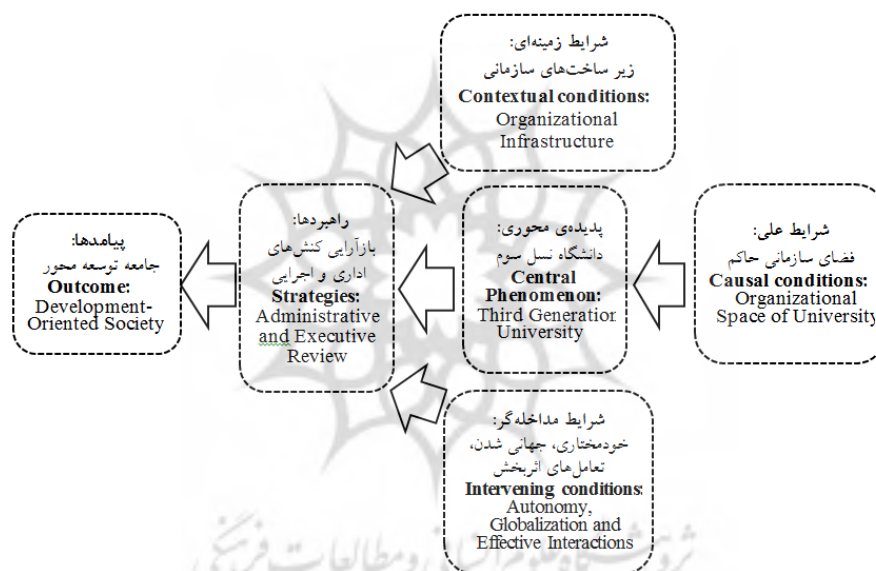
تفویض اختیارات	واگذاری اختیارات تصمیم‌گیری به مدیران مناطق؛ انعطاف در تصمیم‌گیری‌های خرد؛ توجه به قابلیت‌های منطقه‌ای و محلی؛ عدم تمرکز در سیاست‌گذاری.	دانشگاه ساختار متمرکزی دارد و این میتونه بهش آسیب بزنه...
رعایت حقوق تملک فکری	تسهیل روند شناخت و تجاری سازی دارایی‌های فکری پرسنل؛ ایجاد بستر مناسب حقوقی و قانونی در صیانت از دارایی‌های فکری پرسنل؛ نظارت مستمر و مؤثر بر دارایی‌های فکری دانشگاه؛ برخورداری افراد ذینفع از سهم عادلانه در تجاری سازی دارایی‌های فکری.	اگه کسی اختراع ثبت کرد باید ازش حمایت بشه و حقوقش حفظ بشه...
بازنگری در مدیریت منابع انسانی	گزینش و جذب نیروهای مستعد و مدیران خلاق؛ آموزش و توانمندسازی افراد؛ ترسیم مسیر توسعه‌ی شغلی کارآفرینانه؛ استقرار نظام جبران خدمات بر اساس توانمندی‌ها.	بعضی از استخدام‌ها در دانشگاه روال خوبی طی نکردن و از این ناحیه دانشگاه ضربه خورده...
بازاندیشی در رویکرد آموزشی	توجه ویژه به امایش رشته‌ها؛ بازنگری مداوم استراتژی‌های آموزشی با تأکید بر نیازهای نو؛ انتخاب محتوای آموزشی کاربردی و عملی با در نظر گرفتن شیوه آرایه آموزش از دور؛ پرفراری امکان دسترسی همه مناطق از امکانات آموزشی برابر؛ تنوع بخشی به شیوه‌های ارزشیابی از دروس.	خیلی از منابع درسی مون بخصوص در رشته‌های قدی می‌باید تغییر کنه و به روزسانی بشه...
دانشگاه کارآفرین	تولید محصول و خدمات از دانش و ایده‌ها در دانشگاه؛ داشتن برنامه درسی خلاقانه؛ جذب دانشجویان مستعد و خلاق؛ اولویت بندی آموزش‌ها بر اساس نیازهای بازار کار و جامعه؛ نگاه اقتصادی به فعالیت‌های دانشگاه؛ پرورش دانشجویان کارآفرین و تلاش در جهت بالندگی آنان.	دانشجو‌ها بعد از اتمام درسشون فقط به مدرک دارن. باهش کاری نمیتونن دست و پا کنن. ما اونارو فقط برا آزمون دادن آماده کردیم...
دانشگاه ثروت آفرین	ایجاد شرکت‌های انشعابی سودآور در دانشگاه؛ فروش محصولات و خدمات تولید شده در دانشگاه؛ تلاش در جهت توسعه‌ی تجاری سازی ایده‌ها و پژوهش‌ها؛ ایجاد ارزش افزوده برای منابع مالی، مادی و انسانی دانشگاه؛ ارزش‌آوری به جهت فروش دانش و فناوری در سطح بین‌المللی.	نباید خیلی وابسته به کمک‌های دولتی باشیم باید راه‌های جایگزین درآمدزایی رو یاد بگیریم...
توسعه‌ی اقتصادی	تولید محصولات نوآورانه در دانشگاه؛ ارائه خدمات خلاقانه در دانشگاه؛ ایجاد مراکز دانش بنیان توسط دانشگاه در جامعه؛ سود آوری اقتصادی دانشگاه؛ سهیم شدن دانشگاه در افزایش تولید ناخالص داخلی؛ ایجاد زمینه توسعه‌ی پایدار در جامعه؛ از بین رفتن شکاف بین دانش ارائه شده و نیاز بازار در جامعه.	دانشگاه‌ها اگه نتونن کمکی به رشد اقتصادی کشور بکنن، موجودیتشون چه فایده‌ای داره...
توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی	تقویت روحیه جمعی؛ تقویت خود باوری اجتماعی؛ تقویت هویت جمعی؛ تقویت تعهد اجتماعی؛ بالا بردن توان افراد در گذر از بحران‌ها؛ ترویج روحیه کارآفرینی و ارزش گذاری تلاش و فعالیت؛ ترویج سبک زندگی عمل‌گرایانه؛ ارتقاء حس مسوولیت پذیری در جامعه.	جامعه به افراد کاربرد نیاز داره نه کسانی که فقط مدارج علمی رو طی کردن و ظرفیت هاشون رو ارتقا ندادن...

همان گونه که در جدول شماره ۲، مشاهده می‌شود پس از اتمام فرآیند کد گذاری باز در

دو مرحله، ۲۳ مقوله فرعی و ۸ مقوله اصلی (زیر ساخت‌های سازمانی، خود مختاری، جهانی

شدن، تعامل‌های اثربخش، فضای سازمانی حاکم، بازاریابی کنش‌های اداری و اجرایی، دانشگاه نسل سوم، و جامعه توسعه محور) ایجاد گردید.

در اجرای روش سیستماتیک مرحله بعدی کدگذاری محوری می‌باشد. در این مرحله برای یافتن روابط بین مقوله‌های اصلی و فرعی داده‌ها بازاریابی می‌گردد. کدگذاری محوری با استفاده از یک بستر پارادایمی انجام می‌پذیرد که شامل عوامل شش گانه شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله گر، پدیده محوری، راهبرد و پیامد می‌باشد. شکل ۱ الگوی پارادایمی پدیده دانشگاه نسل سوم را به نمایش می‌گذارد.

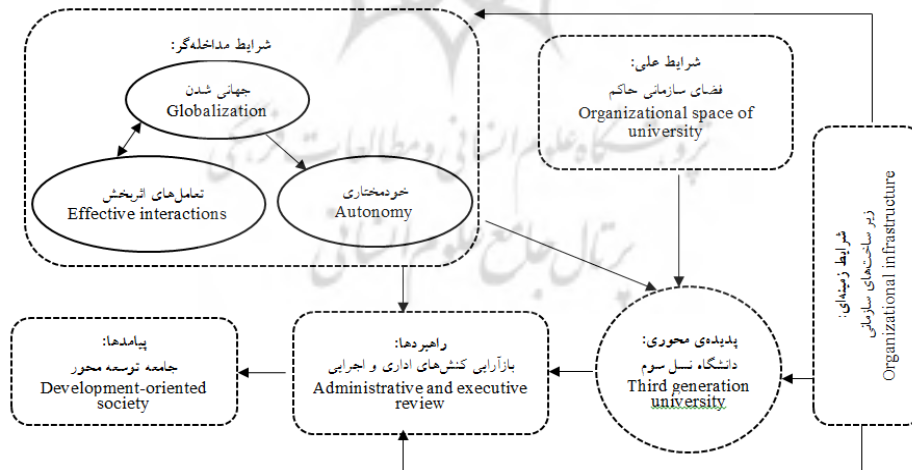


شکل ۱. الگوی پارادایمی دانشگاه نسل سوم در آموزش عالی از دور

Figure 1. The paradigm model of third generation university in distance education

همانگونه که مشاهده می‌کنید مقوله‌های به دست آمده در قالب الگوی پارادایمی جایگذاری شده‌اند. در این الگو مقوله‌ی جو سازمانی حاکم به عنوان عامل علی در نظر گرفته شد. از آنجا که فضای سازمانی حاکم بر دانشگاه می‌تواند باعث تسهیل و یا تسریع در روند ایجاد دانشگاه نسل سوم گردد، به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شد. زیرساخت‌های سازمانی به عنوان عامل بسترساز در الگو انتخاب گردید. شرایط مداخله گر و میانجی در واقع شرایطی است که بر اتخاذ

راهبردها و کنش‌ها اثرگذار است به عبارت دیگر این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌سازند (Mohseni Tabrizi, 2016). در این پژوهش عوامل خودمختاری، جهانی شدن و تعاملات اثربخش به عنوان عوامل مداخله‌گر در نظر گرفته شد. راهبردها در واقع چگونگی برخورد و مدیریت در مواجهه با پدیده محوری به حساب می‌آیند. در الگوی پیشنهادی مقوله‌ی بازآرایی کنش‌های اداری و اجرایی به عنوان راهبرد در نظر گرفته شد. پیامدها در واقع نتایج ظهور و بروز پدیده محوری می‌باشند. مقوله‌ی جامعه توسعه محور حاصل از ایجاد دانشگاه نسل سوم انتخاب شد. مرحله سوم از روش سیستماتیک کدگذاری گزینشی می‌باشد. در این مرحله طرح مفهومی و خط داستانی نظریه شکل می‌گیرد. در یک خط داستان پژوهشگر بررسی می‌کند که چگونه عوامل مخصوصی بر پدیده اثر می‌گذارند و منجر به استفاده از راهبردهای خاصی با خروجی‌های اختصاصی می‌شوند (Creswell, 2014). در این مرحله پژوهشگر با توجه به مطالعه ادبیات موجود و فهم حاصل از پدیده محوری به الگو سازی ذهنی از روابط بین مقوله‌ها پرداخت علاوه بر این در خصوص این نتایج، مصاحبه مجدد با برخی از آزمودنی‌ها انجام گرفت و نتیجه نهایی به عنوان الگوی مفهومی نهایی دانشگاه نسل سوم در آموزش عالی از دور با تأکید بر دانشگاه پیام نور حاصل شد. شکل ۲ الگوی مفهومی مذکور را نمایش می‌دهد.



شکل ۲. الگوی مفهومی نهایی دانشگاه نسل سوم در آموزش عالی از دور

Figure 2. The final conceptual model of third generation university in distance education

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور طراحی الگوی مفهومی دانشگاه نسل سوم در نظام آموزش عالی از دور با در نظر گرفتن دانشگاه پیام نور به عنوان بستر مطالعاتی انجام پذیرفت در الگوسازی از مراحل سه گانه روش سیستماتیک نظریه داده بنیاد استفاده گردید و در نهایت همانگونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود طبق مدل به دست آمده پدیده محوری دانشگاه نسل سوم در آموزش عالی از دور متأثر از عوامل مختلفی از قبیل فضای سازمانی و فرهنگ حاکم بر دانشگاه، زیرساخت‌های موجود در دانشگاه و همچنین عوامل مداخله‌گر جهانی شدن، تعاملات اثربخش در دانشگاه و میزان استقلال دانشگاه می‌باشد. در تبیین مدل مذکور می‌توان اشاره کرد که فضای سازمانی حاکم با تجمیع زیر مقوله‌های انگیزش کارآفرینی در دانشگاه، نگرش کارآفرینی، تعهد به دانشگاه و توسعه خلاقیت و ایده پردازی می‌تواند به صورت مستقیم زمینه‌ی ایجاد و تقویت دانشگاه نسل سوم را فراهم کند. تأثیر فضای حاکم بر دانشگاه با مولفه‌های نگرش دانشگاهیان به کارآفرینی، فرهنگ کارآفرینانه یکپارچه، هسته علمی با انگیزه و اعطای مشوق‌های سازمانی به نوآوران در مطالعات Clark (1998), Guerrero, Kirby (2006), Kirby (2006), & Urbano (2006) و Oshea & Allen (2005) دیده شده است. عامل زیرساخت‌های سازمانی با زیر مقوله‌های بسترسازی سخت و نرم به عنوان عامل زمینه‌ساز ایجاد دانشگاه نسل سوم اثرگذاری عمیقی دارد. بسترسازی سخت افزاری با ایجاد امکانات و تجهیزات مرتبط با کارآفرینی دانشگاه زمینه‌ی ایجاد دانشگاه نسل سوم را فراهم می‌کند علاوه بر این تنظیم اهداف و استراتژی‌های راهبردی، رویکرد برنامه‌ریزی و در کل خط فکری و ایدئولوژیک دانشگاه نیز باید زمینه‌ساز ایجاد دانشگاه نسل سوم باشد زیرساخت سازمانی علاوه بر تأثیر مستقیم به صورت غیر مستقیم از طریق اثرگذاری بر عوامل مداخله‌گر بر پدیده دانشگاه نسل سوم اثرگذار است. بسترسازی سازمانی به ویژه بسترسازی نرم بر فضای مثبت مؤثر برای دانشگاه نسل سوم می‌تواند اثرگذار باشد از طرفی دنبال کردن سیاست‌های جهانی حفظ استقلال دانشگاه و توسعه تعاملات مؤثر مستلزم ایجاد و بستر مناسب سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌باشد. تأثیر ایجاد زیرساخت‌های مناسب بر توسعه‌ی دانشگاه‌های نسل سوم در مطالعات Nelles and Vorley (2010), Taghipoor Zahir and Hasanmoradi (2006) و

Philpott et al (2011) مشاهده شد. عوامل جهانی شدن با زیرمقوله‌های نگاه جهانی و اقدام جهانی، خودمختاری دانشگاه با زیرمقوله‌های سیاستگذاری مستقل، کاهش وابستگی دانشگاه و تولید محتوای مستقل و مقوله تعاملات اثربخش با زیر مقوله‌های تعاملات درون سازمانی و برون سازمانی به عنوان عوامل واسطه‌ای در فرآیند ایجاد دانشگاه نسل سوم انتخاب شدند این عوامل با توجه به اینکه عامل واسطه هستند متاثر از عوامل دیگر نیز می‌توانند باشند. دانشگاه‌ها در کامل کردن فرآیند جهانی شدن خود، با موانع درون سازمانی، برون سازمانی و موانع فردی روبرو هستند (Nazarzadeh Zare, 2018). در روند خودمختاری نیز، استقلال حرفه‌ای پرسنل می‌تواند کمک کننده باشد (Bahrami, Zabardast & Salimi, 2020). لازم به ذکر است ارتباط عوامل مداخله‌گر با یکدیگر نیز قابل بررسی می‌باشد به طوری که با دنبال کردن سیاست‌های جهانی و مطرح شدن در عرصه بین‌المللی وابستگی دانشگاه به دولت تقلیل پیدا می‌کند و می‌توان به این نکته اشاره کرد که جهانی شدن می‌تواند باعث خودمختاری بیشتر دانشگاه گردد همچنین ارتباط بین جهانی شدن با تعاملات اثربخش به صورت دوسویه می‌باشد به نحوی که امکان جهانی‌شدن بدون وجود تعاملات اثربخش ناممکن است و بلعکس جریان جهانی شدن باعث توسعه مناسب‌تر تعاملات می‌گردد. تأثیرگذاری مقوله‌های بین‌المللی شدن دانشگاه، استقلال دانشگاه و تعاملات در مطالعات (Gibb, Haskins and Robertson (2009), Faridi (2017) و Salamzadeh (2011), Mirzaei Rayeni (2017) دیده شده است. همانطور که در الگوی مفهومی مشاهده می‌شود در نهایت توسعه دانشگاه‌های نسل سوم با توجه به ماهیت این نوع از دانشگاه‌ها و کارکردهای آن‌ها و حاکم شدن راهبردهای اجرایی و اداری جدید، به ایجاد جامعه توسعه محور می‌انجامد. توسعه همه جانبه کشورها مقوله‌ای بسیار گسترده و پیچیده است که مقدمات فراوانی را می‌طلبد و حوزه‌های مختلفی را درگیر می‌کند با این حال نقش دانشگاه و مراکز پژوهشی و علمی را نمی‌توان بر ایجاد و توسعه جامعه نادیده گرفت وارد شدن دانشگاه‌ها به نسل سوم شرایطی را ایجاد می‌کند که قطعاً می‌تواند باعث توسعه جامعه شود. طبق الگوی مفهومی ارائه شده در پیدایش دانشگاه نسل سوم در آموزش عالی از دور علاوه بر تأثیرگذاری متغیرهای زمینه‌ساز، فضا ساز و مداخله‌گر اقداماتی نیز باید توسط دانشگاه پیام نور انجام پذیرد. هر چند لازم به ذکر است دانشگاه پیام نور با رویکرد ارائه آموزش‌های از دور به طور کامل در این مدار قرار نگرفته است و مقایسه بسیاری از مناسبات

دانشگاه پیام نور نشان دهنده وجوه شباهت زیاد آن با دانشگاه هایی است که به شکل مرسوم اداره می‌شوند. لذا یافته‌های به دست آمده را شاید نتوان به صورت مطلق با سیستم آموزش از دور مرتبط دانست. با این حال مطابق با الگوی ارائه شده، دانشگاه پیام نور به عنوان جامعه مورد مطالعه این پژوهش، به منظور اینکه در مسیر نسل سومی شدن و توسعه همه جانبه کشور گام بردارد باید راهبردهایی را در حوزه اداری و اجرایی در نظر داشته باشد. به تعبیری علاوه بر ایجاد فرهنگ سازمانی کارآفرینی، تقویت زیرساخت‌های فیزیکی و ایدئولوژیکی، گام نهادن در مسیر جهانی شدن، استقلال طلبی و برقراری ارتباط مؤثر باید بر ضروریاتی تمرکز داشته باشد این ضروریات طبق یافته‌های به دست آمده از پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

- در نگاه مدیران دانشگاه باید تحولی اساسی صورت گیرد. با پرهیز از سیاست‌زدگی نگاه مدیران دانشگاه باید متمرکز بر تغییرات موجود در بازار باشد. مدیران دانشگاه با رویکرد جدید باید مدیران حرفه‌ای در این حوزه باشند و بتوانند با عمل‌گرایی و شناخت از آینده بازار پاسخگوی نیاز فناورانه جامعه باشند و راهبردهای دانشگاه را در چارچوب تازه، تعیین و رهبری نمایند.

- با وجود نهادهای نظارتی و ایجاد ساختارهای مرتبط آن در دانشگاه، نظارت و بازنگری رویه‌ها و روش‌ها مطابق با استانداردها نیست و نیاز به توجه بیشتری دارد. بدین منظور نظارت مناسب تر بر هدف، نقش، ساختار و مدیریت دانشگاه در جهت‌گیری به سمت ارتقاء نسل، مورد انتظار است.

- دانشگاه با توجه به جامعیت کاملاً به صورت متمرکز اداره می‌شود و اقدامات انجام شده در جهت تمرکز زدایی فقط در حوزه مناسبات اداری جزئی می‌باشند و اختیارات اندکی به مدیران مناطق و مراکز با توجه به قابلیت‌های آنها داده می‌شود. ساختار دانشگاه از شکل مرسوم باید به صورت شبکه‌ای درآید. همچنین خوشه‌های کسب و کار همراه با تمرکز بر کار تیمی تحت هدایت اساتید در دانشگاه بایستی شکل گیرد.

- در خصوص رعایت حقوق دارایی‌های فکری بسترسازی مناسب در دانشگاه تا حدودی ایجاد شده است. اعطا سند ثبت اختراع یا ایده به اعضای درون سازمانی و برون سازمانی باید در دستور کار قرار گیرد و به منظور دلگرمی پرسنل نوآور، ایده پرداز و مخترع، مشوق‌های مالی و غیر مالی در نظر گرفته شود.

- در حوزه مدیریت منابع انسانی به ویژه در فرایند جذب و گزینش پرسنل باید دقت نظر بیشتری انجام گیرد. علاوه بر این پرسنل موجود باید در جهت رفع نیازهای روز و بازار آموزش‌های مستمری داشته باشند و مسیر شغلی آنها طوری ترسیم شود که نسبت به این نیازها پاسخگو باشد. نیروی انسانی دانشگاه را باید افراد حرفه‌ای، دانش محور و کارآفرین تشکیل دهند که قابلیت تبدیل ایده به محصول را دارا باشند و توان فعالیت‌هایی فراتر از وظایف سنتی آموزشی و پژوهشی را داشته باشند.

- رویکرد آموزشی دانشگاه باید اقتصاد دانش بنیان را مقصد قرار دهد و مورد بازنگری قرار گیرد بدین منظور رشته‌ها باید آمیخته شوند و قالب بندی جدید مطابق با نیازهای روز کشور و دنیا باشد در این رابطه انجام نیازسنجی آموزشی بر اساس کسب و کارهای نو مورد انتظار است. محتوای آموزشی باید کاربرد دانش را مد نظر قرار دهد و به گونه‌ای انتخاب و سازماندهی شود که فارغ التحصیلان را برای ورود به بازار کار آماده کند.

- بر اساس یافته‌های به دست آمده از این پژوهش انجام بازنگری‌های مورد اشاره می‌تواند دانشگاه پیام نور را در مسیر نسل سومی شدن و توسعه جامعه یاری نماید. بدین معنی که رعایت موارد ذکر شده می‌تواند روند ارتقا نسل را در دانشگاه پیام نور تسهیل کند. لازم به ذکر است که با توجه به جامعیت دانشگاه پیام نور برای ایجاد یک نظام آموزش عالی نسل سومی انجام این بازنگری‌ها در سطح کلان نیز مورد انتظار است. به طوری که می‌باید سیاست‌گذاران و مجریان نظام آموزش عالی کشور در حوزه اداری و اجرایی اصلاحاتی از این دست را به جهت تغییر رویکرد دانشگاه‌ها در دستور کار خود قرار دهند.

سهم مشارکت نویسندگان: محمد مشکی حسن آباد چارچوب کلی طرح را برنامه‌ریزی کرده، پروژه را آغاز کرده، طرح را اجرا، نتایج را تحلیل و یافته‌ها را گزارش کرده است. دکتر محمود اکرامی و دکتر احمد کریمی دشتکی تدوین چارچوب نظری و هدایت روند کلی پژوهش را برعهده داشتند. دکتر حسین حافظی همکاری در طراحی چارچوب کلی، همکاری در تحلیل مفاهیم و نتیجه‌گیری، ویرایش محتوایی، ارسال مقاله و اصلاحات را برعهده داشته و نویسنده مسئول است. بحث درباره یافته‌ها، مرور و تایید نسخه نهایی مورد تایید نویسندگان است.

سپاسگزاری: نویسندگان از همه کسانی که در تکمیل این پژوهش مؤثر بوده‌اند، به ویژه همکاران و اساتید عزیز مشارکت کننده، مراتب تشکر خود را اعلام می‌دارند.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان می‌کنند که در این مقاله هیچ نوع تعارض منافی وجود ندارد. این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

منابع مالی: نویسندگان برای انجام این پژوهش هیچگونه حمایت مالی دریافت نکرده‌اند.

References

- Audretsch, D. B., Bonte, W., & Keilbach, M. (2008), "Entrepreneurship capital its impact on knowledge diffusion and economic performance", *Journal of Business Venturing*. 23(1), 687-698.
- Audretsch, David B. (2012). "From the Entrepreneurial University to the University for the Entrepreneurial Society". *The Journal of Technology Transfer*. 39, 313-321.
- Bahrami, S., Zabardast, M., & Salimi, J. (2020). Qualitative Analysis of University Professors' Experiences of Professional Identity, *Journal of Educational Sciences*, 27 (1), 203-220. [Persian]
- Blenker, P., Dreisler, P., Fargemann, H., Kjeldsen, J. (2004), *Entrepreneurship Educational University*. Context, Aarhus School of Business, Denmark. Availableat: https://www.researchgate.net/publication/311457373Entrepreneurship_education_and_university_context.
- Bolling, M., & Eriksson, Y. (2016). Collaboration with society: The future role of universities? Identifying challenges for evaluation. *Research Evaluation*, 25(2), 209–218.
- Clark, B. R. (1998). **The entrepreneurial university**, demand and response ternary education and management.
- Closs, L., Ferrira, G. C., Soria, A. F., Sampaio, G. H., & Perin, M. (2012). Organizational Factors that Affect the University– Industry Technology Transfer Processes a Private University. *Journal of Technology Management & Innovation*. 7(1), 104–117.
- Creswell, J. W. (2014). *Educational Research Planning: Conduction & Evaluating*. Qualitative, Quantitative Research. (4th ed.). Upper Saddle River, Nj. Pearson Education, Inc.
- Etzkowitz, H. (2003). "Innovation in Innovation: The Triple Helix of University-Industry-Government Relations", *Social Science Information*, 42(3), 293-337.
- Etzkowitz, H., & Zhou, C. (2006), "Triple Helix twins: innovation and sustainability", *Science and Public Policy*, 33(1), February 2006, 77–83.
- Etzkowitz, H., & Leydesdorff, L. (2000). "The dynamics of Innovation: From the national systems and "mode2" to a Triple Helix of university-industry government relation", *Research policy*, 20(2), 109-23.
- Faridi, M. R. (2017). Presentation a model for measuring the readiness of higher education institutions to become a third generation university (Innovative and entrepreneurial). Case Study: Shahed University. For PhD Thesis. Urmia University. [Persian]
- Gibb, A., Haskins, G., & Robertson, I. (2009). "Leading the entrepreneurial university: Meeting the entrepreneurial development needs of higher education institutions", Said Business School, University of Oxford, October, 1-44.
- Guerrero, M., Kirby, D. A., & Urbano, D. (2006). "A literature review on entrepreneurial university: an institutional approach", 3rd Conference of Pre communications to Congresses, Business Economic Department. Autonomous University of Barcelona. Barcelona, June 2006.

- Gurol, y., & Astan, N. (2006). Entrepreneurships characteristics amongst university students. *Education Training*, 43(1), 25-38.
- Haj Khozaymeh, M., Abili, KH., & Pour Karimi, J. (2020). Presenting a Model for Professional Development Departments' Heads in Universities and Institutes of Higher Education Based on a Lean Approach, *Journal of Educational Sciences*, 27(1), 221-240. [Persian]
- Hannon, D. Paul. (2013). Why is the Entrepreneurial University Important? *Journal of Innovation Management*. 1,2.10-17.
- Jacob, M., Lundqvist, M., & Hellsmark, H. (2003). "Entrepreneurial transformations in the Swedish University system: the case of Chalmers University of Technology", *Research Policy*, 32(9), 1555-1569.
- Kakouris. A., Liargovas. P., & Sousa. C. (2018). Editorial: The entrepreneurial university across regions. *Innovation and Regional Development*, 8(4), 280-285.
- Kawamorita, H., Salanzadeh, A., Demiryurek, K., & Ghajarzadeh, M. (2020). Entrepreneurial Universities in Times of Crisis: Case of Covid-19 Pandemic, *Journal of Entrepreneurship, Business and Economics*, 8(1), 77-88.
- Kirby, D. A. (2006). "Creating entrepreneurial universities in the UK: Applying entrepreneurship theory to practice", *Journal of Technology Transfer*, 31(5), 599-603.
- Lombardi. R., Massaro. M., Dumav. J., & Nappo. F. (2019). "Entrepreneurial universities and strategy: the case of the University of Bari", *Management Decision*, 57(12), 3387-3405.
- Meigounpoory, M., Arabiun, A., Poorbasir, M., & Mobini Dehkordi, A. (2019). Entrepreneurial university campus ecosystem (EUCE) design with interpretive structural modelling: A new approach in higher education system. *Journal of Technology of Education*, 14(1), 251-261.
- Mirzaei Rayeni, Z. (2017). Explain the characteristics of the third generation university and the extent to which Shahid Bahonar University has achieved it. For Master Thesis. Shahid Bahonar University in Kerman. [Persian]
- Moghadasi, A. (2015). Prioritization of factors affecting the creation of a skill-oriented university. For Master Thesis. Elmo Farhang University. [Persian]
- Mohseni Tabrizi, A. (2016). *Research methods in interpretive schools*. Tehran; Etelaat Pub. [Persian]
- Nazarzadeh Zare, M. (2018). Identification of Obstacles of the Faculty Members' International Interactions: A Qualitative Approach, *Journal of Educational Sciences*, 25(2), 179-196. [Persian]
- Nelles, J., & Vorley, T. (2010). "Constructing an Entrepreneurial Architecture: An Emergent Framework for Studying the

- Contemporary University Beyond the Entrepreneurial Turn”, *Innovative Higher Education*, 35(3), 161-176.
- Oshea, R. P., & Allen, T. J. (2005). Creating the entrepreneurial university, the case of MIT, presented at the academic of management conference Hawaii.
- Philpott, K., Dooley, L., O’Reilly, C., & Lupton, G. (2011). “The entrepreneurial university: Examining the underlying academic tensions”, *Tech Novation*, 31, 161-170.
- Rahimiyan, H., Abbas Pour, A., Taheri, M., & Sobhani pour, S. (2018). Designing and validating a servant leadership model for Farhangiyān University by Grounded theory, *Journal of Educational Sciences*, 25(1), 78-108. [Persian]
- Salamzadeh, A., Salamzadeh, Y., & Daraei, M., (2011). “Toward a Systematic Framework for an Entrepreneurial University: A Study in Iranian Context with an IPOO Model”, *Global Business and Management Research*, 3(1), 30-37.
- Salun, M., Zaslavska, K., & Zmicerevska, D. (2019). Entrepreneurial universities: literature review. *Economics of Development*, 18(3), 12-18.
- Silverman, D. (2005). Instances or sequences? Improving the state of the art of qualitative research. In Forum Qualitative Sozial forschung/ Forum: *Qualitative Social Research*, 6(3), 25-39.
- Sohn, S. Y., & Moon, T. H. (2003). Structural equation model for Predicting technology comer cialization success index. (TCSI) *Technology Forecasting & Social Change*, 70, 885- 899.
- Sporn, B., (2001). “Building Adaptive Universities: Emerging Organizational Forms Based on Experiences of European and US Universities”, *Tertiary Education and Management*, 7(2), 121-134.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2013). *Basics of Qualitative Research*. Translated by Ebrahim Afshar. Tehran. Ney Pub. [Persian]
- Subotzky, G., (1999). “Alternatives to the Entrepreneurial University: New Modes of Knowledge Production in Community Service Programs”, *Higher Education*, 38(4), 401-440.
- Taghipoor Zahir, A., & Hasanmoradi, N. (2006). Suitable model for creating an entrepreneurial university. *Journal of Economy & Management*, 69, 31-40. [Persian]
- Yadollahi Farsi, J., et al. (2009). Encyclopedia of Entrepreneurship. Encyclopaedia Foundation of Iran: Ministry of Science. [Persian]
- Zabihi, M. R., & Moghadasi, A. (2006). *Entrepreneurship from theory to Experience*. Mashhad. Jahan farda Pub. [Persian]

